

فسادهای باور نکردنی

شنیدن اقرار و افشاگریهای پاره‌ای از آگاهان درون حاکمیت و مقامات مسئول که هر چند وقت تکرار می‌گردد و خود یا گروهی را متهم به فساد و سوء استفاده از مقام رسمی و وجوه دولتی می‌نمایند به تمام معنا حیرت‌انگیز است، به حدی که گویی حتی تحصیل‌کردگان اهل حساب نمی‌توانند به راحتی تعداد صفرهای ارقام اعلام شده را روی کاغذ بیاورند و میزان و لغ را باور نمایند. ملاحظه می‌شود مفسدان افشا شده به قدری قدرتمند و باشهامت و وظیفه خود را انجام می‌دهند که ناظران دچار سرگیجه می‌شوند، سرگیجه‌هایی از آن نوع که معمولاً از تماشای فیلم‌های جنگی خشن و بی‌رحم در سالن پر دود و بویناک به تماشاکر فیلم دست می‌دهد! آنگاه سیری ناپذیری و حد ناشناسی چپاولگران و سازقان این تردید را به وجود می‌آورد که آیا این افراد ایرانی هستند؟! و اگر یک نفر اجنبی کلاش به جای آنها نشسته بود بیشتر از ارقام اشاره شده می‌دزدید یا مرتکب نا انصافی بیشتری می‌شد به هر حال ظاهراً باید پذیرفت که به موازات ارتقاء درجه تورم مفسدان و مختلسان هم توقعات و کارهای خود را هماهنگ با آن نموده‌اند!! اما اندکی بیاندیشید مایه و پایه ظهور این پدیده شرم آور در جامعه امروز چیست و علل گرایش افراد به این خلافکاریه‌ها کدامند؟ البته دامنه بحث به حدی وسیع است که در این گفتار مختصر نمی‌گنجد و تنها می‌توان به چند نکته اشاره نمود مثلاً: ۱- تعجب نکنید اگر در راس علتها عدم آزادی برای گفتن و نوشتن و نشر و در نتیجه عدم ایجاد نشاط و شور را قرار می‌دهیم، اگر آزادی قلم و انتقاد می‌داشتیم این همه فساد تباهی آور در خفا و تاریکی صورت نمی‌گرفت و سلامت جامعه در معرض سقوط و بیماری نمی‌افتاد بی دلیل نیست که راویان آزادی خواهی در کشور ما از یکصد سال پیشتر آرزومند رسیدن به دموکراسی از راه آزادی خواهی بوده‌اند. ۲- دومین علت رونق خرابی و خلافکاری و ثروت اندوزی، فراری دادن اهل فضل و تجربه از دانشگاه‌ها، سازمانها و ادارات دولتی است که این افراد اجباراً میهن خود را ترک کرده و گلیم خویش از موج به در برده‌اند و نتیجه آن که هدایت امور به دست ناپختگان مدعی افتاده است. ۳- سومین علت فساد، منصب گرفتن افراد بی صلاحیت و اقدامات شجاعانه (!) آنها در بی‌اعتنایی به قانون و اصول و غنیمت شمردن لحظات مقام ناپایدار می‌باشد تا این روزهای دیرپاب از کف نرود و قدرت پایان نپذیرد. ۴- بلا و ضربه مهلک دیگر بر سلامت جامعه در غیاب موهبت «آزادی» عدم اجرای یکسان مقررات قانون از جانب مسئولان دولتی و به طبع همه اشخاص حقیقی و حقوقی در مورد آحاد مردم ایران است. که نام آن تبعیض و رانت خواری بوده و هر جامعه‌ای را می‌تواند به بهشت خلافکاران و قدرتمندان تبدیل و ظلم و اجحاف بیش از پیش را آشکار نماید.

به این ترتیب، تا علت‌های مذکور (و بسیاری علت‌های ناگفته) همچنان باقی است نمی‌توان انتظار داشت: «باغ شود سبز و سرخ گل برباید.» و ما همچنان نظیر افشاگریهای اخیر را خواهیم شنید؛ و در انتظار خواهیم ماند تا ببینیم کی دادگاهی عدالت شعار و قانونی، خلافکاران را به طور علنی محاکمه نموده و احکام مناسب را صادر نماید.

کار آفرین خسته، کارگاه بسته، کارگر

بیکار، مدعی هشیار

در یکی از روزنامه‌های عصر تهران مورخ ۱۳۸۷/۴/۱، خبری بود که بر امیدواری‌های مردم در مورد بهبود بازار کار بسیار اضافه می‌کرد؛ خبر عبارت از این بود که آقای وزیر کار هنگام بازدید از شهرک صنعتی اشتهارد کرج گفته‌اند «ایجاد فرصتهای شغلی در سال جاری به یک میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر می‌رسد.» بعد از اینکه کلی از این نوید همه خوشحال می‌شدند و باورشان می‌شد که حتی برای بازنشستگان دور و برمان وضعیت اشتغال مجدد فرا هم شده است در سه سطر بعدی خوانده می‌شد که آقای وزیر گفته‌اند «در حال حاضر، حفظ اشتغال موجود از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چرا که اشتغال ایجاد شود ولی حفظ نشود، این اشتغال زانی مؤثر نخواهد بود»! بعد آقای وزیر در نقایص مختصری هم صحبت و تاکید کرده‌اند «برای حفظ اشتغال موجود باید محیط کسب و کار در کشور بهبود یابد و طی مطالعه ای که در بیش از هفت هزار واحد تولیدی انجام شده است مشکلات این واحدها در ۱۲ بخش دسته بندی و مشخص شده بیشتر مشکلات این واحدها مربوط به نیازهای مالی است چرا که هزینه‌های مالی این واحدها در حال حاضر آنچنان بالاست که باعث شده نقدینگی به سمت دلالتی و امثال آن حرکت کند» وی تاکید کرد، همچنین مجموعه نرخ سود تسهیلات و جرایم بسیار سنگین و بوروکراسی موجود در سیستم بانکها مشکلات فراوانی برای واحدهای تولیدی ایجاد کرده است.

آقای وزیر در مورد میزان تولید، ایجاد رقابت بین واحدهای تولیدی و کاهش قیمت به نفع مصرف کننده هم راهنمایی کرده و اظهار داشته‌اند «وزارت کار و امور اجتماعی برای توسعه اقتصادی مناطق محروم و کاهش هزینه‌های تولیدی و افزایش پایداری بنگاه‌های اقتصادی زود بازده و برای تاسیس کارخانه‌هایی اقدام کرده در برخی از شهرستانها تا ده سال از پرداخت مالیات معاف می‌کند...»

بجاست به بیانات آقای وزیر اضافه کنیم که در سه سال گذشته هزاران کارخانه نیمه تمام به حال خود رها شده دهها هزار جواز تاسیس صادر گشته ولی پیشرفت کار از گرفتن کاغذ جواز فراتر نرفته و البته امار اشتغال مربوط به این مجوزها نمی‌تواند دلیل تولید اشتغال باشد ضمناً روزانه چندین کارخانه تعطیل و ارقامی به تعداد بیکاران افزوده می‌شود و دردناکتر اینکه هزاران کارگر شاغل از حیث دریافت حقوق و مزایا، گرفتاریهای صنفی و مشکلات عدیده دارند که شایسته است برای حل و فصل آنها بیشتر بیندیشند.